

نقش اجتماعی و فرهنگی زنان در جنگ صفین

علی اکبر عباسی^۱
زهرا سادات کشاوری^۲

چکیده

حکومت امام علی علیه السلام یکی از دوره‌های ممتاز و برجسته تاریخ اسلام است. در آن دوره سه جنگ بزرگ داخلی از جمله جنگ صفین به رهبری معاویه علیه حکومت امام علی علیه السلام اتفاق افتاد. آن جنگ‌ها ناشی از کجروی‌های تاریخی جامعه بود. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که نقش اجتماعی و فرهنگی زنان در نبرد صفین چه بوده است؟ شواهد تاریخی گویای آن است که زنان مسلمان در عرصه‌های گوناگون این جنگ نقش پررنگی داشتند. جلوه فرهنگی این حضور بر سایر وجوه غلبه دارد. زنانی که دارای فصاحت و بلاغت بودند سعی کردند تا با سخنرانی و سرودن اشعار بلیغ در تحریک و تهییج مردان برای نبرد مؤثر باشند. همچنین از جنبه اجتماعی نیز زنان برای کمک به مردان خانواده و طایفه خود در آن نبرد حضور فعال داشتند.

کلیدواژه‌ها: خلافت امام علی علیه السلام، زن در سیره علوی، سیره نظامی امام علی علیه السلام، صفین.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). aa_abbasi_z@yahoo.com

۲. دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان. zahra.sadat.keshavarz@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۶/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۲۵/۰۲/۰۱

درآمد

رویدادهای تاریخی در نتیجه کنش متقابل انسان‌ها به وجود می‌آید. در این میان همواره کنش نیمی از جامعه انسانی به دست فراموشی سپرده شده و یا در حاشیه بوده‌است. تاریخی که پیش روی انسان‌ها قرار دارد را مردان ساخته و نوشته‌اند. تاریخ علم رخدادها است. به نظر می‌رسد اگر زنان می‌توانستند تاریخ حوادث را بنویسند، تاریخی متفاوت به دست می‌آمد که از زنان کنش‌گر، تأثیرگذار و حادثه‌ساز سخن می‌گفت (غذامی، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۰).

این نوع نگاه، واژه جدیدی به نام تاریخ زنانه را به وجود آورده است. این واژه در بردارنده تأکیدی بر نقش زنان در رخدادهای تاریخی یا بیان تاریخ از نقطه نظر زنان است. پس از گذشت قرن‌ها، مورخان توجه خود را معطوف به بازنمایی تاریخی زنان کردند. در استفاده از واژه تاریخ زنانه، تأکید بر این نکته است که زندگی و مرگ و مشارکت زنان در زندگی روزمره بشر در تاریخ‌های استاندارد مغفول مانده یا بی‌ارزش تلقی شده‌است. در کتاب جنسیت و سیاست‌های تاریخ^۱ آمده است که دانش تازه رخ نموده در باب زنان، سنت نقش محوری مردان در روایت‌های تاریخی را زیر سؤال برده است (اسکات^۲، ۱۹۸۸: ۱۰).

برای رفع این نقیصه در تاریخ‌نگاری باید به سراغ زنان در جای‌جای تاریخ رفت و به جست‌وجوی تجربه حضور و بروز آنها در تاریخ پرداخت. اکنون زمان آن رسیده تا کنش‌گری زنان در برهه‌های مختلف تاریخی مورد مذاقه قرار گیرد. در این میان برای زنان مسلمان که تعالیم دینی بخش معظم هویت آنان را شکل می‌دهد، تاریخ اسلام و بررسی حضور زنان در رخدادهای مهم آن اهمیت دوچندان دارد. در دین اسلام به حضور نظری و عملی زن در اجتماع توجه شده‌است. حضور زنان در میادین اجتماعی، فرهنگی و حتی در جنگ‌ها در عهد رسول خدا و در دوره‌های پس از ایشان وجود داشته و غیر قابل انکار است. این نقش آفرینی در دوره حکومت امیرالمؤمنین با تاسی به بنیان‌های فکری و سنت پیامبر ﷺ ادامه داشت و حتی در زمان نبرد نیز بروز و ظهور پیدا کرده است.

یکی از صحنه‌هایی که زنان در تاریخ اسلام خوش درخشیده‌اند، نبرد صفین است. در این نبرد حساس شاید در ابتدا این‌گونه تصور شود که زنان تأثیری بر حوادث نبردها و از جمله صفین نداشتند. با استناد به منابع می‌توان نقش اجتماعی و فرهنگی زنان را دریافت. در ذیل برخی حوادث و یا در ضمن خطبه‌ها و اشعار در برخی از تک‌نگاری‌ها و منابع ادبی و گونه‌هایی دیگر از منابع می‌توان تا حدودی به

1. Gender and the Politics of History.
2. Scott.

موقعیت و عملکرد زنان در آن پیکار بزرگ و نسبتاً طولانی بی برد. هر چند در منابع از حضور بانوان شامی تأثیرگذار در صحنه‌های نظامی کمتر ذکری مطرح شده است. از این رو، هدف این پژوهش مطالعه نقش اجتماعی و فرهنگی زنان در جهاد بزرگ صفین است.

پیشینه پژوهش

در باره موضوع این پژوهش، بررسی‌های پراکنده‌ای انجام شده است. بیشتر تک‌نگاری‌هایی که در گذشته درباره زنان نگاشته شده، نابود شده است. احمد حیدری (۱۳۸۳ش) در کتاب بزرگ زنان صدر اسلام به بررسی نقش زنان در صحنه‌های مختلف پرداخته است. در بخش مربوط به جنگ صفین، از حضور شش زن که همگی طرفدار امام علی علیه السلام بوده‌اند، یاد شده است. در این بخش مؤلف بیشتر به نقل قول‌های نسبتاً طولانی از اعلام النساء عمر رضا کحاله و در یک مورد نیز به نقل قول از الغارات تقفی کوفی و فصول المهمه ابن صباغ مالکی پرداخته است. با وجود این، بسیاری از زنان حاضر در صفین مغفول مانده‌اند. معصومه ربیعان (۱۳۸۴ش) در مقاله «نقش زنان در ماجرای سیاسی صفین» تنها هفت نفر از زنان مسلمان را معرفی کرده است. اعظم معینی کربکندی (۱۳۸۴ش) در مقاله «نقش سیاسی زنان در حکومت علی علیه السلام»، پس از اشاره کوتاه به نقش منفی عایشه، به توصیف رفتارهای ارزشی بانوان در جنگ‌های جمل و صفین پرداخته است. بتول مدنی (۱۳۹۲ش) در مقاله «نقش زنان در جنگ‌های عصر حکومت امام علی علیه السلام»، نخست به طور اجمال به بررسی نقش زنان در جاهلیت و عصر نبوی اشاره کرده، سپس به توصیف نام زنان در جنگ‌های حکومت امام علیه السلام پرداخته است. همچنین زهرا یوسفیان (۱۳۹۴ش) در مقاله «بررسی عرصه‌های حضور زنان در دوره حکومت امام علی علیه السلام»، به بررسی حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی، نظامی و علمی-فرهنگی در دوران حکومت امام علی علیه السلام پرداخته است. او معتقد است حضور اجتماعی زنان بدان معنا نیست که آنان باید در همه عرصه‌ها حضور داشته باشند، بلکه این حضور باید متناسب با خلقت و آفرینش زن جهت‌دهی شود تا زنان افزون‌بر مدیریت خانه و تربیت و پرورش فرزندان، در کارهای فرهنگی و اجتماعی نیز فعال شوند. با توجه به آنچه گفته شد، روشن است که بیشتر پژوهشگران از منظری محدود به موضوع این پژوهش پرداخته‌اند.

این پژوهش برای پاسخ به این پرسش شکل گرفته است که نقش اجتماعی و فرهنگی زنان در نبرد بزرگ صفین در چه سطحی بوده است؟ روش تحقیق در این پژوهش بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و با تکیه بر منابع دست اول به شیوه توصیفی-تحلیلی است.

حضور زنان در سپاه اعزامی امام علی علیه السلام به صفین

در سال ۳۶، اندکی پس از واقعه جمل، زمانی که خراسان، مکه، مدینه، عمان، یمامه، کوفه، بصره و سایر نواحی، مطیع امر امام علی علیه السلام بودند، سرزمین شام یعنی معاویه و طرفدارانش از اطاعت امام علیه السلام سرپیچی کردند. از این رو، لشکر طرفین در منطقه‌ای به نام صفین صف آرایی کردند. جنگ بزرگ صفین جنگی طولانی و فرسایشی بود. درگیری دو سپاه دست کم صدوده روز به طول انجامید. مدت زمان بیشتری هم در ماه‌های حرام دو سپاه، مخصوصاً عراقیانی که با محل سکونتشان فاصله بسیاری داشتند بدون درگیری در منطقه صفین و به دور از خانه و کاشانه خویش اردو زده بودند. بیشتر نیروهای امام علی علیه السلام، از دو شهر کوفه و بصره بودند. این دو شهر پایگاه مجاهدان مهاجر از حجاز و یمن بود. در طرف مقابل تقریباً تمام شام برای مقابله با سپاه امام علی علیه السلام حضور یافته بودند و تعداد شامیان حاضر در صفین بیشتر از دیگر نبردهای صدر اسلام بود.

از توصیه‌های امیرالمؤمنین به جلوداران سپاه خویش می‌توان دریافت که نیروها عمدتاً با خانواده‌های خویش در نبرد حضور داشته‌اند. امام علیه السلام می‌فرماید: «چندان که توانید خود را از زنان بازدارید» (شریف رضی، ۱۳۷۸: حکمت ۷). با این که نیروهای امام علیه السلام احتمال می‌دادند خیلی زود شامیان را مانند مردم بصره شکست خواهند داد با این همه همراه خانواده‌هایشان عازم آن نبرد شده بودند. دوری صفین از عراق و مدت زمان طولانی راه رفت و برگشت در همراه بردن زنان بی‌تأثیر نبوده‌است. این که منظور امام علیه السلام از این سخن چیست هم توسط شارحین متفاوت بیان شده‌است. به نظر برخی از شارحین (نک. ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۱۹/۱۱۴؛ ابن میثم، ۱۴۲۰: ۵/۳۷۵) منظور امیرالمؤمنین این بود که پیشاهنگان کمتر با زنانشان همبستر شوند. شهیدی (۱۳۷۶: ۴۰۷) منظور امام علیه السلام را کمتر صحبت کردن درباره زنان و به یاد و ذکر آنان بودن را مطرح می‌کند.

در زمینه تأکید بر تأیید نظر امام علیه السلام درباره نوع برخورد با زن‌ها در نبرد از دیدگاه ایشان، امام علیه السلام در خطبه ابتدای نبرد نیز به سپاهیانش دستوراتی داده که یکی از آنها آزار نرسانیدن به زنان بود حتی در صورتی که آنان دشنام^۱ دهند (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۱/۵۱۷). طبیعتاً با دور بودن صفین از شهرهای مسکونی شام منظور امام علیه السلام آزار نرسانیدن به زنان سپاه معاویه بوده‌است و این موضوع هم دال بر حضور زنان در سپاه است.

۱. در نبرد جمل صفیه دختر حارث به امام علی علیه السلام دشنام داد ولی آن حضرت از او گذشت کرد و به یارانش هم فرمود به زنان آزار نرسانید حتی اگر بزرگان و پارسایان را دشنام دهند (نک. طبری، ۱۹۶۷: ۴/۵۴۰-۵۳۹).

تعداد نظامیان و خانواده‌هایشان در صفین

تعداد نظامیان حاضر در صفین متفاوت گزارش شده است. نصر بن مزاحم (متوفای ۲۱۲) که متقدم‌ترین تک‌نگاری بازمانده درباره صفین از آن اوست،^۱ شمار هر کدام از سپاهیان دو گروه را صدوپنجاه هزار نفر نوشته است (منقری، ۱۴۰۴: ۱۵۶). او تصریح نمی‌کند که این رقم با خانواده و با بدون خانواده لحاظ شده است؛ با این حال لحن کلام وی بیانگر تعداد جنگاوران بدون احتساب خانواده‌هایشان است. مسعودی (۱۴۰۹: ۳۹۳/۲-۳۹۴) مؤلف مشهور قرن چهار هجری شمار نظامیان بدون خانواده‌هایشان و شمار آنان همراه با همسران و خدمه و تابعان‌شان را هم ذکر کرده است. وی تعداد شامیان را بدون خدمه و تابعان، صدوپنجاه هزار و کل سپاه شام را سیصد هزار نوشته است. او تعداد نیروهای امام علیه السلام را صدویست هزار و کل سپاه با خانواده و خدم و حشم را خیلی بیشتر از آن می‌داند (همان، ۳۹۴/۲). البته برخی از محققین هم در درستی ارقام مربوط به تعداد نظامیان و تعداد کشته‌شدگان جنگ‌های زمان خلافت امام علی علیه السلام تردید کرده‌اند (صادقی، ۱۳۸۰: ۴۹-۸۲).

از گزارش‌های نصر بن مزاحم نیز پیداست که غیر از زنان، نوجوانان و بعضی غلامان هم بدون این که بدان‌ها اجازه جنگیدن داده شود برای انجام کارهای غیر نظامی مثل آب آوردن از فرات همراه سپاه بوده‌اند. محمد بن مخنف بن سلیم در حالی که هفده ساله بود در صفین حضور داشت و پدرش به وی اجازه حضور در جهاد نمی‌داد (منقری، ۱۴۰۴: ۱۸۳-۱۸۴). وضعیتی مشابه را دیگران هم داشته‌اند. اینکه امام علیه السلام پس از اتمام نبرد در صفین تأکید داشت «... ما در هنگام جنگ فقط با جنگجویان جهاد می‌کردیم و با سایرین کاری نداشتیم...» (همان، ۵۳۳) دلیلی دیگر بر حضور غیرنظامیان است.

دور بودن برخی کوفیان از زنان و فرزندان‌شان

با وجود حضور خانواده برخی نظامیان در جنگ، به نظر می‌رسد بعضی از آنها بدون خانواده در نبرد شرکت کردند. در نبرد صفین هرثمه بن سلیم بدون همسرش جرداء دختر سمیر همراه سپاه امیرالمؤمنین بود. وی که از بیان اخبار غیبی امام علی علیه السلام درباره وقایع کربلا تعجب کرده بود، آن اخبار را با شگفتی پس از بازگشت از صفین برای همسرش نقل می‌کرد (منقری، ۱۴۰۴: ۱۴۱-۱۴۲). از اخباری که حکایت از حضور عبیدالله بن حر جعفی در صفین به نفع معاویه دارد، به طور ضمنی می‌توان فهمید که او

۱. قبل از این که منقری کتاب وقعه صفین خود را در نیمه قرن دوم بنویسد، کتاب‌های صفین دیگری نوشته شده بود که هیچ‌کدام از آنها باقی نمانده است. منقری از بعضی از آنها مانند کتاب صفین عمر بن سعد اسدی و کتاب صفین جابر بن یزید جعفی در تدوین کتاب خود بهره فراوان برده است (نک. جعفریان، ۱۳۹۳: ۶۶۵؛ عباسی، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

نیز بدون همسرش در نبرد حاضر شده بود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۰/۷).

نقش اجتماعی زنان در نبرد صفین

بنابر نظر جامعه‌شناسان عامل یک کنش یا حادثه اجتماعی، عنصری از یک وضعیت معین است که به علت موجودیت یا کارکردش، موجب وقوع آن کنش یا حادثه می‌شود. در کنار این مفهوم، به شرایط کنش‌ها یا حوادث اجتماعی نیز توجه شده است. از نظر آنان، شرایط، مکمل عوامل به شمار می‌آیند و عناصری از یک وضعیت خاص هستند که نقش عوامل را مناسب یا نامناسب می‌سازند. به این معنی که در عملی شدن آثار عوامل نقش مثبت یا منفی ایفا می‌کنند و آهنگ، سرعت، جهت‌گیری، وسعت و دامنه حوادث را تحت تأثیر قرار می‌دهند (روشه، ۱۳۶۶: ۳۰-۲۸). بر این اساس در ادامه به برخی از نقش‌های تأثیرگذار زنان در صفین اشاره خواهد شد.

۱- امداد رسانی

زنان در جهاد صفین در پشت جبهه در امداد رسانی به زخمیان و آب‌رسانی به مجروحان و تهیه مواد غذایی رزمندگان نقش مؤثری داشتند. در یکی از گزارش‌های صفین آمده است، عمار بن یاسر پس از نبردی سخت تشنه شده بود، آب طلب کرد، زنی قدحی یا مشک‌ی آب و یا آب آمیخته با شیر را به سمت وی دراز کرد و عمار از آن نوشید (منقری، ۱۴۰۴: ۳۴۱). مشابه همین مطلب در کتاب ابن قتیبه دینوری (نک. ۱۴۱۰: ۱۴۶/۱) نیز آمده است. به روایت مسعودی زنی از بنی شیبان قدحی پر از شیر آورد و عمار وقتی آن را دید گفت: الله اکبر الله اکبر و به پیش‌گویی رسول خدا درباره آخرین جرعه‌ای که در این دنیا می‌نوشد اشاره کرد و گفت امروز روز موعود است (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۸۱/۲).

۲- تماشاگر ویژه شجاعت همسران

برخی از سرداران دوست داشتند شجاعت خود را در معرض دید همسران خویش قرار دهند. عبیدالله بن عمر یکی از سردارانی بود که دوست داشتند سلاح او را همسرانش ببینند، ناظر نبردهای او باشند (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۲۳۵/۵) و از شجاعت او تعریف کنند. شیبانیه و یا بحریه دختر هانی بن قبیصه ربیعی یکی از همسرانش بود. روزی که عبیدالله قرار بود به جنگ ربیعیان رود به نزد شیبانیه رفت تا سلاحش را ببیند.^۱ وی به همسرش گفت که امروز به جنگ قوم تو می‌روم و دختر هانی وی را اندرز داد

۱. این‌که زنان سلاح سرداران و سلحشوران را ببینند در آن دوره کم و بیش مرسوم بود. ابن ملجم زمانی که می‌خواست امام علی علیه السلام را ترور کند، جامه و سلاح لازم را برداشت و قطام «جامه و سلاح بر ابن ملجم پوشاند» (نک. ابن ابی الدنيا، ۱۳۷۹: ۵۰).

که به جنگ قوم من نرو زیرا در عهد جاهلیت و اسلام هیچ گردنفرازی به جنگ آنان نرفته مگر این که کشته شد. بیم آن دارم که ترا بکشند. عیب‌الله عصبانی شد و با کمان بر سر شیبانیه زد و وی را مجروح ساخت. شیبانیه بعد از کشته شدن عیب‌الله برای تحویل گرفتن جنازه او به لشکرگاه امام علی علیه السلام آمد و جنازه پسر عمر را از هم قبیله‌ای‌های خود گرفت.

معاویه وانمود می‌کرد که نیروهای عراق حاضر به دادن جنازه نیستند. همسران عیب‌الله بحث پرداخت پول را مطرح کردند و گفتند حاضرند ده هزار درهم بابت جنازه عیب‌الله بدهند، اما وقتی ربیعی‌ها موضوع را به علی علیه السلام گزارش دادند فرمود و گرفتن پول برای آن روا نیست، ولی اگر دوست دارید، جنازه او را به همسرش دختر هانی بن قبیصه شیبانی تحویل دهید (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۸۵/۲-۳۸۶). از دیگر همسران عیب‌الله که همراه او به صفین آمده بود تا ناظر جهادش باشد، اسماء دختر عطار بود. شاعر معاویه کعب بن جعیل پس از کشته شدن عیب‌الله در شعرش بدین موضوع که اسماء و بحریه دو همسر عیب‌الله بن عمر که نظاره‌گر هنرنمایی او در صفین بودند تصریح دارد: «خرج عیب‌الله بن عمر بصفین فی الیوم الّذی قتل فیه، و جعل امر آتین له بحیت تنظران الی فعله، و هما أسماء بنت عطار بن الحاجب التمیمی، و بحریه بنت هانی بن قبیصه الشیبانی، فلما برز شدت علیه ربیعه» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۰۱۱/۳).

ابوحبه بن غزیه انصاری که از انصار و طرفدار حضرت علی علیه السلام بود درباره رشادت‌های نیروهای امام علیه السلام در صفین چنین سرود: «از همسر معبد و همسر لخمی و ابن کلاع درباره کار ما پرسش کن و من خود از عیب‌الله درباره نیزه‌های جانسکارمان می‌پرسم که چگونه آنان را از اسب به زیر می‌افکندند...» (منقری، ۱۴۰۴: ۳۷۹؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۲۳/۳). از این شعر هم می‌توان چنین استنباط کرد که معبد و لخمی از سرداران معاویه نیز زنانشان را به نبرد آورده بودند و آن زنان نیز نظاره‌گر نبردهای شوهرانشان بوده‌اند. معمولاً از این سرداران با ابهت یاد می‌شد و از پای درآوردن آنان افتخاری بزرگ برای شجاعان محسوب می‌شد. درباره معبد و دیگر شجاعان کشته شده معاویه، مالک اشتر چنین سرود: «...ذی الکلاع و معبد را که به میدان آمده بودند کشتیم اگر آنان ابایقظان آن مسلمان کهنسال را کشتند ما در عوض هفتاد تن از گنهکاران آنان را کشتیم...» (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۸۹/۲). از مقایسه این اشعار می‌توان فهمید که معبد از قهرمانان سپاه معاویه همراه همسرش در صفین بوده و یکی از انگیزه‌های وی از آوردن همسرش به نبرد، تماشای هماوردهایش در رزمگاه بوده‌است.

نقش فرهنگی زنان در نبرد صفین

۱- روحیه دادن

زنان در تحریک سپاهیان و یا ایده دادن به آنان مؤثر بوده‌اند. برخی از آنان اشعاری می‌سرودند و در آنها به برحق بودن جناح و طرف خودشان اشاره می‌کردند. آنان با توجه به تأثیر شعر بر روحیه اعراب ادله مناسبی را برای حقانیتشان مطرح می‌کردند. دو تن از یاران مخلص علی علیه السلام که در صفین به شهادت رسیدند، ابوالهیثم مالک بن تیهان و خزیمه بن ثابت بودند. در مرثیه هر دو بزرگوار، اشعاری در صفین توسط زنان سروده شد. امینه زنی از انصار در رثای ابن تیهان چنین سرود: «از امروز که مالک، آن پشتوانه دلیر کشته شد دیگر طعم خواب و آسودگی را نچشم. ای ابوالهیثم بن تیهان اینک وجودم انباشته از غم و اندوه شده‌است. هنگامی که آن فاسق حق ناشناس بر ایشان تاخت و چنین شیخون ناجوانمردانه عادت او شده بود، آنان مانند کسانی بودند که در احد شهید شدند. خداوند شما را با این پیکرهای آغشته به خون غریق رحمت کناد» (منقری، ۱۴۰۴: ۳۶۵؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۷۸/۳). شاعر در این مرثیه به حادثه شهادت ابن تیهان با غافلگیری نیروهای معاویه و شیخون آنان که بر خلاف رسم جوانمردی عرب بود اشاره کرده و به طور ضمنی یادآوری می‌کند که این شهدا هم‌درجه شهدای احد هستند که در جهاد با نیروهای پدر معاویه یعنی ابوسفیان به شهادت رسیده بودند.

دختر خزیمه بن ثابت هم در مرثیه‌ای که در رثای پدرش سرود چنین نوحه سرایی کرد: «ای دیده، بر خزیمه که به روز جنگ فرات به دست احزاب مخالف اسلام کشته شد اشک بیار! ذوالشهادتین را ستمگرانه کشتند خداوند آنان را عذاب دهد، او را با زبده جوانمردان کارآمد که به هنگام دعوت و حق طلبی شتابان پا در رکاب می‌کردند، کشتند. به سرور عالمیان و خواجه کامگار دادگستر، یاری رساندند و در این راه تا پای مرگ پیش رفتند و جان باختند» (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۷۸/۳). شاعر در شعرش متأثر از سخنان امام علی علیه السلام است که نبرد صفین را جنگ با بازماندگان احزاب مخالف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده بود (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۶۴).

از دیگر شاعران زن طرفدار امام علی علیه السلام در صفین، بکاره هلالیه بود. او نیز در اشعارش معاویه و طرفدارانش را سرزنش و آنان را بدبخت می‌خواند. بکاره در اشعارش تأکید می‌کرد که خواسته غریبی است که پسر هند می‌خواهد به خلافت برسد (ضبی، ۱۴۰۳: ۷۲). نکته جالب درباره اشعار او تأکید ضمنی بر روایتی از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از زبان ابوذر (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۱۷۲/۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۴۶۷/۶) درباره امویان است. ابوذر در عهد عثمان درباره تسلط بنی‌امیه بر مسلمانان و عواقب آن از زبان رسول خدا روایاتی را نقل کرده بود که باعث ناراحتی خلیفه شده بود. امام علی علیه السلام نیز به خنده‌دار بودن تلاش

معاویه برای کسب قدرت اشاره کرده است: «بیا و داستان پسر ابوسفیان را به یاد آر، آن چنان که روزگار مرا به خنده آورد پس از آن که گریانم کرد...» (شریف رَضی، ۱۳۷۸: خطبه ۱۶۲). شاید این شاعره تحت تأثیر آن روایات نقل شده از سوی ابوذر و هم اعتقاد با امام علی علیه السلام درباره قدرت طلبی معاویه، این اشعار را سروده بود. بکاره همچنین در دوران خلافت معاویه زندگی بعد از امام علیه السلام را بی ارزش می دانست. وقتی معاویه از او خواست، خواسته هایش را مطرح کند، او که از بحث های مطرح شده توسط مخالفان علی علیه السلام نزد خلیفه ناراحت شده بود، جلسه را ترک کرد (ضبی، ۱۴۰۳: ۷۲). علاقه و عشق او به آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم از بند بند اشعارش هویداست. این تمایلات در اشعار حماسی او در برانگیختن نظامیان علیه شامیان در صفین به اوج خود رسید.

زنان شاعر شامی نیز سعی کردند حس معاویه و شامیان را که تا حدودی مبتنی بر تعصب قبیله ای بود در اشعارشان بیاورند. معاویه مثل اجدادش اهل تفاخر به نژاد و طایفه بود. پدر بزرگ مادری معاویه در جنگ بدر راضی نشد که با افرادی از انصار هموردی کند و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «همتایان ما را از قریشیان بفرست» (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۱۲۹/۱۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۲/۲). بعدها شخصی از امویان به فردی از انصار با تفاخر گفت: کافران قوم من راضی نشدند مسلمانان قوم تو را بکشند (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۱۲۹/۱۴). در واقع افتخار نبود بلکه امویان بر برتری نژاد و شأن خویش تأکید داشتند. غرور آنان اجازه نمی داد با کسی که هم شأن خویش نمی دیدند، نبرد کنند. وقتی حمزه، علی و عبیده به نبرد عتبه، شیبه و ولید رفتند عتبه گفت: «هماوردانی بزرگوارند» (واقدی، ۱۴۰۹: ۶۸/۱). او که از موضع گیری و سرسختی عمار بن یاسر در صفین ناراحت بود، می گفت: «اگر اعراب گرفتار سبک سری برده ای سیاه شوند، نابود خواهند شد» (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۲۲/۸). این سخن معاویه و طعنه زدن او به نسب عمار به واسطه این بود که وی از موالی بنی مخزوم بود. عمار یاسر از بهترین یاران علی علیه السلام بود (طبری، ۱۹۶۷: ۹۶/۵) و به لحاظ نسبی مورد طعن دوستداران معاویه همچون عمرو بن عاص قرار می گرفت (منقری، ۱۴۰۴: ۳۳۸).

نکته دیگر در شعر یکی از شاعره های ناشناس شامی توجه به پاداشی بود که معاویه به شامیان می داد. این شاعر که کشتن سرداران بزرگ علی علیه السلام توسط شامیان را برای آنان افتخار می دانست، در شعرش تأکید داشت که شما عراقیان با کشتن شامیان به جایی نمی رسید. شاعر به طور ضمنی می خواهد بگوید که با تلاش شما عراقیان بخشش دنیایی هم نصیبتان نمی شود؛ پس دست از مبارزه بردارید. مردم شام در جنگ با علی علیه السلام در صورت تلاش ویژه در نبرد، مزایای ویژه (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۸۶) دریافت می کردند. در حالی که وضعیت مردم عراق متفاوت بود.

یکی دیگر از زنانی که در صفین به نفع معاویه شعر سرود، حبله دختر منصور بود. برادر وی اجلح از قهرمانان سپاه معاویه بود که در روز جنگ بر سر آب کشته شد. حبله در شعرش ضمن سوگواری به خصوصیات برادرش اجلح اشاره می‌کند و با شکایت از عراقیان یعنی سپاهیان حضرت علی علیه السلام می‌گوید: «...عراقیان ما را آواره و بیچاره کردند...» (منقری، ۱۴۰۴: ۱۷۸). امام علی علیه السلام پس از شنیدن شعر حبله فرمود: «...رقّت عاطفه زمام آن زنان را از کفشان ربوده که آنگونه بی‌تابشان دیدید...» (منقری، ۱۴۰۴: ۱۷۹).

البته همیشه هم شاعران زن هواخواه امیرالمؤمنین و یا معاویه نبودند و کسانی از آنان نبرد بزرگ صفین را جنگ قدرت بین دو تن از بزرگان قریش می‌دانستند که خون‌های زیادی فدای قدرت طلبی آن دو شده‌است. زنی که سه جوانش در صفین کشته شدند ضمن شعری به دنیا طلب بودن نیروهای دو طرف نبرد اشاره کرده است. وی در شعرش تأکید دارد که بسیاری از نیکوکاران و بزرگان عرب کشته شدند تا یک قریشی غلبه پیدا کند (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۹۴/۲). او جهاد صفین را نبرد قدرت می‌دانست که بسیاری بر سر آن جان باختند.

در بعضی اشعار صفین نیز درباره شدت جنگ و هولناک بودن آن یاد شده‌است. شاعری به نام عماره چنین سروده است: «امامه به من گفت چرا رنگ از رخسارت پریده است؟ جواب دادم جنگ از چهره هر دلاور شمشیر زن نیز می‌برد...» (منقری، ۱۴۰۴: ۳۶۹). از اشعار مردانی مثل رفاعه بن شداد (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۸۵/۳) نیز حضور زنان در صفین و سوگواری آنان بر کشتگان قبل از دفن استنباط می‌شود. کعب بن جعیل شاعر معاویه هم از برخی سوگواری‌های خاص بعضی زنان شامی مثل برهنه کردن سرشان (منقری، ۱۴۰۴: ۳۶۱) زمان عزاداری برای شوهرانشان در ضمن شعر یاد کرده است. خالد بن معمر سدوسی نیز در شعرش (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲۹۷/۲)، از عهد و پیمان معاویه برای به اسارت گرفتن زنان ربیعی طرفدار علی علیه السلام سخن رانده و آن را نکوهیده است.

از قبایل طرفدار حضرت امیر علیه السلام در جنگ صفین، قبیله همدان یمانی بودند. آنان در سال دهم هجری به دست امام علی علیه السلام مسلمان شده بودند. رسول خدا از اسلام آوردن آنان بدون اینکه در برابر فرستادگان ایشان مقاومت کنند بسیار خشنود شد و سر به سجده گذاشت و فرمود سلام بر همدان (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۱۲۱/۳). در دوران خلافت علی علیه السلام جانفشانی‌های همدانیان در راه اطاعت از وی در حدی بود که ایشان بارها همدانی‌ها را ستود (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۳۱/۳) و اشعاری را در تمجیدشان سرود (منقری، ۱۴۰۴: ۲۷۴، ۴۳۷). برخی از این همدلی و هماهنگی آنان با امیرالمؤمنین تحت تأثیر سخنان و تلاش‌های زنان همدانی در برانگیختن نظامیان قبیله‌شان برای حمایت از علی علیه السلام

بود. از جمله آن زنان، زرقاء دختر عدی بن غالب همدانی بود که در صفین برای افراد قبیله اش خطبه می خواند. او خطاب به همدانیان می گفت: «ای مردان حرب و سواران ضرب و شیران و غا و مبارزان هیجا بر این جنگ سخت صبر کنید و ثابت قدم باشید تا این فتنه مظلوم و واقعه مبهم را کشف کنید که این نه جنگی است که در آن افتاده اید بل بلایی است که بدان گرفتار شده اید» (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۵۷۶). همچنین در بخشی از سخنانش، رزمندگان را چنین به ادامه نبرد تشویق کرد: «خضاب زنان و رنگ موی زنان حناست و خضاب مردان خون. بشتابید به سوی نبرد» (ابن طیفور، بی تا: ۵۲-۵۰). در واقع خطبه های او غیر از تحریض بر جنگ، ادله عقلانی در حقانیت امیرالمؤمنین نیز بود. او حتی برای غیر همدانیان نیز صحبت می کرد و بر بصیرتشان در جنگ با دشمن می افزود. جایگاه وی در حدی بود که برای بزرگان مهاجر و انصار هم سخنرانی می کرد؛ «...ای مهاجر و انصار صبر صبر، از جان مترسید و از مرگ نهراسید این جهان پایدار نماند و بر کس استوار نگردد...» (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۵۷۶). درباره تأثیر سخنرانی های وی بر مجاهدان سپاه امام علیه السلام آورده اند: «...ابطال را مستعد جنگ می ساخت. سخنان وی هر یک جداگانه در خاطر معاویه ثقلی می انداخت...» (همان، ۵۷۶). ظاهراً وی در سخنرانی هایش سوار بر شتر می شد و خطبه می خواند، چنان که معاویه بعدها در عهد خلافتش از وی شکوه می کرد که: «...بر شتر سرخ موی برنشستی و بر قوم خویش همی عبور دادی و ایشان را بر من بشوریدی و بر جنگ با من بیاغالیدی...» (همان، ۵۷۷).

از دیگر زنان همدانی سپاه امام علی علیه السلام سوده همدانی دختر عماره بن اشتر بود. حضور او هم در تهیهی نیروهای امام علیه السلام مخصوصاً همدانی ها مؤثر بود. او از اینکه برادرش را تشویق به جهاد کند و وی را در معرض خطر قرار دهد واهمه ای نداشت. وی برادرش را به یاری علی علیه السلام بر می انگیخت و ایشان را برادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دلیل هدایت و مناره ایمان معرفی می کرد (ضبی، ۱۴۰۳: ۶۷؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۵۹/۳). موقعیت برادر او در قبیله همدان و حمایت او از امام علی علیه السلام در حدی بود که از منظر معاویه قابل چشم پوشی و فراموشی نبود. شکایت او از عمال معاویه و تعریف و تمجید از عدالت علی علیه السلام هم فوق العاده بود. سوده با این که برای شکایت از بسر بن اراطاه به نزد معاویه رفته بود به شدت از حضرت علی علیه السلام دفاع کرد.

۲- گزارشگری زنان

اعراب در عهد جاهلی هم کم و بیش زنان را در نبردها همراه خویش می بردند. قریش در جنگ بدر زنان را همراه آورده بودند که به توصیه ابوسفیان آنان را برگرداندند. در نبرد اُحد زنان همراه مردان و برای

تشویق آنان در صحنه نبرد حاضر (واقعی، ۱۴۰۹: ۲۲۵/۱) و در پیروزی نهایی سپاه قریش مؤثر بودند. هوازن و ثقیف در نبرد حنین همراه با خانواده‌هایشان برای نبرد با پیامبر ﷺ حاضر شدند. تحریک مردان برای نبرد و انگیزه دادن به جنگجویان بابت ترس از اسارت زنان و رسوایی ناشی از آن از دلایل اصلی آوردن زنان به صحنه‌های نبرد در عهد جاهلی بود.

تاریخ جنگ صفین نام زنان مؤمن و شایسته‌ای را در خود جای داده که با خطابه‌های آتشین و حماسی خود نه تنها توانستند سربازان جبهه حق را تشویق کنند؛ بلکه آنچنان زخمی بر دل رهبری جبهه باطل نهادند که تا سال‌ها بعد، همچنان موجب آزار روحی او بود. معاویه سال‌ها بعد از استقرار حکومتش، چند تن از آن‌ها را به دربار خود فراخواند و مورد عتاب قرار داد. یکی از این شخصیت‌ها عکرشه دختر اطرش بود. او در جهاد صفین و در اوج نبرد میان دو صف برای رزمندگان سخنرانی می‌کرد. تأثیر سخنان وی که از سخنوران به‌نام بود، در برافروختن آتش غیرت و حمیت دینی مؤثر بود. معاویه بعدها و در عهد خلافتش به عکرشه یادآوری کرد که «... تو همانی هستی که کمر را محکم بسته و شمشیر را حمایل کرده بودی و در صفین بین دو صف قرار گرفتی و فریاد برآوردی ای مردم ایمان خود را محکم نگهدارید که اگر همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید زبانی به شما نمی‌رسد» (ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۱۵۱/۱). عکرشه با یادآوری سابقه مبارزه پیامبر ﷺ با اجداد معاویه تأکید داشت که صفین در واقع بدر صغری و عقبه‌ای دیگر است (ضبی، ۱۴۰۳: ۳۸). این نوع خطبه‌خوانی‌ها، عرب را که همواره تحت تأثیر فصاحت و بلاغت خطیبان قرار داشت، به شدت برمی‌افروخت و آماده نبرد می‌کرد.

از دیگر زنان مؤثر در این زمینه می‌توان به ام‌الخیبر باریقه اشاره کرد که در صفین بُردی زبیدی به تن داشت و سوار بر شتری خاکستری رنگ، شلاق در دست، مردانه فریاد می‌کشید و خطاب به سپاهیان امام علی علیه السلام می‌گفت: «... خداوند شما را رحمت کند. به سوی امام عادل، وصی باوقا و صدیق اکبر رو آورید و بدانید که معاویه انتقام بدر و احد و کینه‌های جاهلیت را دستاویز قرار داده تا انتقام جاهلی از خاندان پیغمبر ﷺ بگیرد» (ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۱۸۷/۵). عبارات به کار رفته توسط ام‌الخیبر بنت حریش در خطبه‌اش مثل وصی باوقا نشانگر بصیرت وی و آشنایی‌اش با مفاهیم شیعی و اعتقاد عمیق او به حضرت امیر علیه السلام است. او به سبک امیرالمؤمنین در خطبه‌هایش از آیات قرآن هم بهره‌های زیادی می‌برد. وی برای اقناع دینی رزمندگان در جنگی که برخی در حقانیت نبرد شک می‌کردند، می‌فرمود: «وَلْتَبْلُوْنَكُمْ حَتَّى تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِيْنَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِيْنَ وَتَبْلُوْا اَخْبَارَكُمْ» (محمد/۳۱)؛ ما شما را به طور قطع امتحان می‌کنیم تا آنان که در راه خدا جهاد کرده و صبر می‌کنند معلوم نماییم و اخبار و اظهارات شما را بیازماییم. در مورد دیگری وی برای تأکید بر بدعهدی شامیان این آیه را تلاوت کرد که: «فَقَاتِلُوا اِثْمَةَ الْكُفْرِ اِنَّهُمْ لَا اِيْمَانَ لَهُمْ

لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (توبه/۱۲)؛ با رهبران کفر بستیزید که آنها را عهد و پیمان استواری نیست، شاید که از طعن بر اسلام دست بکشند. این خطبه‌ها که به واسطه فصاحت و بلاغت و تأثیرگذاریش توسط برخی از سپاهیان به خاطر سپرده می‌شد باعث احضار اجباری (ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۳۴۵/۱؛ قلقشندی، بی‌تا: ۲۹۶/۱) ام‌الخیر به دربار معاویه در دوران خلافتش شد. سخنان این بانو آنقدر برای معاویه سنگین بود که چند سال بعد او را به دربار خویش فرا خواند و به حصار گفت: «چه کسی سخنان ام‌الخیر را به یاد دارد؟» یکی از حاضرین پاسخ داد: «سخنان او را مثل سوره حمد به یاد دارم». او از آغاز تا پایان سخنان این بانوی مبارز را بازگو کرد. در این هنگام معاویه به خشم آمد و گفت: «ای ام‌الخیر؛ با سخنانت قصدی جز کشتن من نداشتی، اکنون اگر تو را بکشم بر من حرجی نیست». در این هنگام ام‌الخیر پاسخی شجاعانه داد که چنین سخنی در مقر قدرت دشمن بسیار تحسین برانگیز است. وی معاویه را با تحقیر خطاب کرد و گفت: «ای پسر هند جگرخوار به خدا قسم مرا ناراحت نمی‌کند که این کار را پروردگار به دست کسی انجام دهد که شقاوت او وسیله سعادت من گردد» (ابن طیفور، بی‌تا: ۵۸-۵۷).

نتیجه

در صدر اسلام برخی از نظامیان بدون خانواده و بسیاری از آنان به همراه همسران، خدمه و اتباع خود در نبردها حضور می‌یافتند. در نبرد صفین نیز که جنگی طولانی مدت و در سرزمینی دور از خانه و کاشانه سپاهیان به‌ویژه عراقیان بود، زنان حضور مؤثری داشتند. در جنگ صفین زنان در مقدمه سپاه امام علی علیه السلام حضور داشتند و در شرایط نبرد، با اهداف و کارکردهای متفاوتی در امورات جنگ مشارکت می‌کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد زنان در دو عرصه فرهنگی و اجتماعی در جنگ صفین حضور جدی داشتند. برخی از آنان در تدارکات سپاه کمک حال شوهرانشان بودند. برخی به عنوان امدادگر، آب‌رسان و یا برای درمان مجروحان کمک حال مردان بودند. بسیاری از زنانی که قدرت خطابه بالایی داشتند و با فصاحت و بلاغت‌شان می‌توانستند مردان را به جنگ برانگیزند در این زمینه خطابه می‌خواندند و شعر می‌سرودند. این افراد غالباً از قدرت تحلیل سیاسی و بصیرت بالایی برخوردار بودند. آنها در سخنرانی‌هایی‌شان ادله مناسبی برای قانع کردن مردان ارائه می‌دادند تا آنان با اطمینان خاطر و با اعتقاد کامل نبرد را ادامه دهند. برخی از زنان هم توسط شوهرانشان به نبرد آورده شده بودند تا ضمن این که رخت نظامی آنان را آماده می‌کنند، نظاره‌گر هنرنمایی‌های آنها در صحنه‌های نبرد باشند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الدنیا، عبداللہ بن محمد (۱۳۷۹)، مقتل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام، ترجمہ محمود مہدوی دامغانی، مشہد، مؤسسہ پژوهش و مطالعات عاشورا.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد عبدالحمید بن ہبہ اللہ (۱۳۳۷)، شرح نہج البلاغہ، تصحیح محمد ابوالفضل ابراہیم، قم، مکتبہ آیہ اللہ مرعشی النجفی.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۴۱۱)، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء.
- _____ (۱۳۷۲)، الفتوح، ترجمہ محمد بن احمد مستوفی ہروی، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تہران، علمی و فرهنگی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵)، الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
- ابن حمدون، محمد بن حسن (۱۹۹۶)، التذکرۃ الحمدونیہ، تصحیح احسان عباس و بسکر عباس، بیروت، دار صادر.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰)، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (بی تا)، بلاغات النساء، قم، الشریف الرضی.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبداللہ (۱۴۱۲)، الاستیعاب فی معرفۃ الاصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجیل.
- ابن عبدربہ الأندلسی، أحمد بن محمد (۱۴۰۴)، العقد الفرید، تصحیح مفید محمد قمیحہ، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
- ابن قتیبہ دینوری، ابو محمد عبداللہ بن مسلم (۱۴۱۰)، الامامۃ و السیاسة، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء.
- ابن مسکویہ الرازی، ابوعلی (۱۳۷۹)، تجارب الامم، تحقیق ابوالقاسم امامی، تہران، سروش.
- ابن میثم، کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی (۱۴۲۰)، شرح نہج البلاغہ، بیروت، دارالتقلین.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، انساب الاشراف، تحقیق سہیل ذکار ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر.

- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵)، دلائل النبوة، تحقیق عبدالمعطي قلعجی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۳)، منابع تاریخ اسلام، تهران، علم.
- حیدری، احمد (۱۳۸۳)، بزرگ زنان صدر اسلام، قم، زمزم هدایت.
- روشه، گی (۱۳۶۶)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نی.
- ریعان، معصومه (۱۳۸۴)، «نقش زنان در ماجرای سیاسی صفین»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۷ و ۶، زمستان و بهار.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۸)، نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، علمی و فرهنگی.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۶)، تاریخ تحلیلی اسلام: از آغاز تا نیمه نخست سده چهارم، تهران، علمی و فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی.
- صادقی، مصطفی (۱۳۸۰)، «نقدی بر آمار تلفات جنگ‌های امام علی علیه السلام (جمل، صفین، نهروان)»، فصلنامه تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم قم، شماره ۷، پاییز.
- ضبی، عباس بن بکار (۱۴۰۳)، اخبار الوافدات من النساء علی معاویه، تصحیح سکینه الشهبائی، بیروت، مؤسسه الرساله.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷/۱۹۶۷)، التاریخ طبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث العربی.
- عباسی، علی اکبر (۱۳۹۵)، تاریخ زندگی و خلافت امام علی علیه السلام، اصفهان، جهاد دانشگاهی.
- غذامی، عبدالله (۱۳۹۵)، زن و زبان، ترجمه هدی عوده تبار، تهران، گام نو.
- قلقشندی، احمد بن عبدالله (بی تا)، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، تصحیح محمدحسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مدنی، بتول (۱۳۹۲)، «نقش زنان در جنگ‌های عصر حکومت امام علی علیه السلام»، فصلنامه فرهنگ پژوهش، شماره ۱۳، بهار.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۹)، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره.
- معینی کربکندی، اعظم (۱۳۸۴)، «نقش سیاسی زنان در حکومت علی علیه السلام»، فصلنامه نامه جامعه، شماره ۱۳، پاییز.

- منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴)، وقعة صفین، تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون، قاهره، المنشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)، المغازی، تحقیق مارسدس جونز، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۴۳)، تاریخ یعقوبی، ترجمه ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یوسفیان، زهرا (۱۳۹۴)، «بررسی عرصه‌های حضور زنان در دوره حکومت امام علی (علیه السلام)»، فصلنامه نامه جامعه، شماره ۱۱۶، زمستان.
- Scott, Joan (1988), *Gender and the Politics of History*, New York, Columbia University.